

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) دوره
۱۲، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۲۷ تا ۱۵۲
تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵
نقد و پردازش اصول رمانتیسم جامعه‌گرا در شعر ژاله قائم‌مقامی
و نازک الملائکه
مریم بیک^۱، دکتر هادی حیدری‌نیا^۲، دکتر محمود صادق‌زاده^۳



چکیده

یکی از مکاتب ادبی پرطرفدار معاصر، مکتب رمانتیسم است که ابتدا به مسائل شخصی افراد می‌پرداخت؛ اما به خاطر اوضاع نامناسب سیاسی و اجتماعی، به تدریج از حالت فردگرایانه به سمت اجتماع، سوق یافت و حالتی جامعه‌گرا به خود گرفت. گرچه پیدایش مکتب رمانتیسم در ادبیات فارسی و عربی، زمینه‌های مشترک زیادی ندارد؛ ولی همگونی‌های زیادی میان پیروان این مکتب ادبی در فارسی و عربی به چشم می‌خورد. نازک‌الملائکه و ژاله قائم‌مقامی از جمله شاعرانی هستند که اشعار آن‌ها دارای چنین صبغه‌ای است. اشتراک‌هایی در مضمون و سبک شعری‌شان است، نشان می‌دهد که اشعار در ابعاد محتوا، قالب و زبان، از شعر دوره رمانتیک اروپا، تأثیر پذیرفته است. مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، اصول رمانتیسم جامعه‌گرا در اشعار ژاله قائم‌مقامی و نازک‌الملائکه را مورد تحلیل و تبیین قرار دهد به همین منظور، ویژگی‌هایی چون احساس اجتماعی، توجه به نابرابری‌های اجتماعی، تضاد طبقاتی، فقر، افول جامعه، زن و مسائل پیرامون آن، ایده‌آلیسم و آرمان‌گرایی در شعر این دو شاعر، مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده در صدد آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مهم‌ترین مسائلی که در اشعار این دو شاعر مطرح می‌شود، چیست؟ و چه وجوه تشابهی بین این دو شاعر وجود دارد؟

واژه‌های کلیدی: رمانتیسم جامعه‌گرا، نازک‌الملائکه، ژاله قائم‌مقامی، نابرابری‌های اجتماعی، زنان.

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. maryambaige@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

Heidari_hadi_pnuk@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

sadegh zadeh@iauyazd.ac.ir

مقدمه

رمانتیسم، یکی از مکاتب مهم ادبی جهان معاصر است. این مکتب، اساس و شالوده‌ای غربی دارد. رمانتیسم تأثیرات شگرفی در هر یک از دو ادبیات فارسی و عربی در دوره معاصر بر جای نهاده است. شاید بتوان افرادی چون خلیل مطران و ابوالقاسم شابی را از بنیان‌گذاران و نخستین شاعران رمانتیسم جهان عرب به شمار آورد. رمانتیک ایرانی گرچه تا حدودی از رمانتیک اروپائی و عربی متفاوت است؛ ولی همچون ادبیات رمانتیک عرب از مکتب رمانتیک اروپا متأثر است.

مکتب رمانتیسم در اروپا با خصوصیات نظیر طبیعت‌ستایی، احساس‌گرایی، غم و اندوه، تخیل، فردگرایی، عشق، کودکی و خاطرات گذشته و در هم شکستن ساختار کهن کلاسیک و... همراه است و در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای انگلستان، آلمان، فرانسه و به تبع آن در برخی از کشورهای دیگر به وجود آمد که به‌طور گسترده‌ای بر تمامی ادبیات ملل دیگر تأثیرگذار بود. در ایران نیز بعد از انقلاب مشروطه، تأثیرات رمانتیسم اروپایی شاعرانی را با ویژگی‌های سبکی خاص به وجود آورد. از جمله فروغ فرخزاد، گلچین گیلانی، نیما، نادر نادرپور و...؛ اما می‌توان ریشه بعضی از ویژگی‌های این مکتب را به نوعی در شرق، جست و جو کرد؛ به‌گونه‌ای که در بین سبک‌های کهن فارسی، سبک عراقی، بیشترین شباهت را با مکتب رمانتیسم اروپایی از نظر تخیل، احساس‌گرایی، عشق، غم و اندوه و درون‌نگری - که از مهم‌ترین ویژگی‌های رمانتیسم است - دارد.

هنگام ورود این مکتب به مشرق زمین، شاعران و نویسندگان بسیاری به آن اهتمام ورزیدند که در آغاز، تقلیدی صرف از آثار ادیبان غرب بود؛ اما به تدریج تحت تأثیر اوضاع اجتماعی - سیاسی کشورهای خود و نیز رویارویی با مسائل جدید، مضامین این گرایش، دستخوش تغییراتی گردید و مضامین جدیدی به آن افزوده شد که در مراحل اولیه، این مضامین بیشتر صبغه شخصی داشت که شاعران در آن، تنها دردها، آمال و مسائل شخصی خود را بازگو می‌کردند؛ ولی مسائل اجتماعی - سیاسی دوره معاصر به‌گونه‌ای بود که رمانتیسم فردی به‌تنهایی برای بازگو کردن آن‌ها کافی نبود؛ در نتیجه، نیاز به نوعی گرایش، احساس شد که به این‌گونه مسائل پردازد. از اینجا بود که در کنار صبغه شخصی، صبغه

جامعه‌گرای رمانتیسم نیز در میان شاعران و نویسندگان معاصر، به‌ویژه، سرزمین‌هایی که دچار بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بودند، سر برآورد. از جمله سرزمین‌های پیشگام در زمینه این رویکرد جدید، عراق و ایران بود که به دلیل اوضاع نابسامان و مشکلات داخلی، تمام هم و غم شاعران و نویسندگان آن‌ها شد.

پیشینه تحقیق

مکتب رمانتیسم یک مکتب همه‌جایی و همه‌گیر می‌باشد و تأثیر شگفت آن بر ادبیات فارسی و عربی نیز انکارناشدنی است. این خاستگاه مشترک، باعث شد تا رمانتیسم عربی و فارسی در نقطه‌های به هم پیوند بخورند. در کنار رمانتیسم فردگرا، باید از نوع دیگر رمانتیسم نیز سخن گفت که آن رمانتیسم جامعه‌گرا است. در تلقی رایج فرهنگ ما، شعر رمانتیک نمی‌تواند اجتماعی باشد و معمولاً این اصطلاح برای اطلاق به شعرهای عاشقانه پر احساس و حداکثر طبیعت‌گرا به کار می‌رود، هرچند بخش عمده‌ای از این شعر به همین صورت است؛ ولی رمانتیسم دارای گرایش‌های دیگری از جمله رمانتیسم با گرایش اجتماعی نیز هست. رمانتیسم جامعه‌گرا، حاصل فاصله گرفتن شاعران از جریان رمانتیسم فردی و عاشقانه و نزدیک شدن آن‌ها به جریان سمبولیسم است. در زمینه این نوع رمانتیسم یا مؤلفه‌های آن در شعر شاعران مختلف، پژوهش‌های انجام گرفته است؛ از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به پژوهش مصطفی هداره در کتاب «البحوث فی الأدب العربی الحدیث» و دکتر سیدحسین سیدی در کتاب «بررسی تطبیقی نظریه ادبی نیما و نازک الملائکه» به جنبه‌هایی از گرایش رمانتیک در شعر نازک الملائکه اشاره کرد. همچنین، پایان‌نامه‌هایی چون «ابهامات فکری و ادبی نازک الملائکه»، «المقارنه بین المضامین و المفاهیم الاجتماعیه فی أشعار نازک الملائکه و نیما یوشیج» و «تشاوم در ابوالعلاء معری و نازک الملائکه»، هرکدام جنبه‌هایی از اندیشه نازک الملائکه را ترسیم کرده‌اند.

غلامحسین یوسفی مقاله‌ای با عنوان «اولین شاعر فمینیست ایران، ژاله قائم‌مقامی»، (۱۳۸۴)، در نشریه حافظ، به بررسی سبک شعری شاعر پرداخته است و مهسا قدیر، مقاله «مقایسه شعر و زندگی دیکنسون، شاعر آمریکایی قرن نوزدهم با ژاله قائم‌مقامی»، (۱۳۹۰)، به رشته تحریر درآورده است. ثریا باوری پور، در مقاله «گذری و نظری بر شعر و زندگی

عالم‌تاج قائم‌مقامی»، (۱۳۸۵)، به معرفی و بررسی ویژگی‌های شعری این شاعر عصر قاجار پرداخته است. همچنین سمیه زارع در مقاله «آرمان‌شهر در اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه»، (۱۳۹۲)، آرمان‌شهر را در اشعار این دو شاعر، بررسی کرده است. او به این منظور ابتدا به بیان و تحلیل عمده‌ترین دغدغه‌های زنانه فروغ و نازک الملائکه پرداخته است.

روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

مبانی تحقیق

رمانتیسم

رمانتیسم جنبش ادبی و هنری است که در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان، پدیدار شد. این مکتب بر جنبه‌های گوناگون زندگی تأثیر گذاشت و نه تنها در ادبیات، بلکه بر افکار، عقاید و ایده‌های اجتماعی و سیاسی نیز تأثیرگذار بود. تحولات عظیم در سراسر جهان، همچون وقوع جنگ‌های جهانی، صنعتی شدن جوامع، گذر از عصر رنسانس و... شاعران و نویسندگان مناطق مختلف جهان را به نوشتن و سرودن داستان‌ها و اشعار رومانتیک واداشت. رمانتیسم دارای اصول و مؤلفه‌هایی همچون عشق، زن، بازگشت به طبیعت، تخیل، هیجان و احساس، آرمان‌گرایی، انسان‌گرایی و فردگرایی، سفر، مرگ‌اندیشی و... است. رمانتیسم انسانی و مطالعات فرهنگی

«ویکتور هوگو، رمانتیسم را آزادی‌خواهی در ادبیات می‌داند. از دیدگاه او درآمیختن گروتسک (مضحک، شگفت و باورنکردنی) با تراژدی و هنر والا که در مکتب کلاسیسیسم منع شده بود، حقیقت کامل زندگی است؛ ولی استنادال، اعتقاد دارد: رمانتیسم در هر زمانی، هنر روز و کلاسیسیسم هنر روز قبل است. در حالی که آیزلیا برلین، حکومت مستبدانه هنر بر زندگی را جوهره اصلی مکتب رمانتیسم می‌داند. در طول دوره رمانتیسم، آثار بزرگ و عظیمی در ادبیات، هنر و فلسفه خلق شد که در تاریخ جهان بی‌نظیر بود» (فورست، ۱۳۷۵: ۱۵).

«از ویژگی‌های عمده رمانتیسم در ادبیات، تکیه بر احساسات و عواطف رقیق، اصالت دادن به حزن و اندوه آدمی، آزادی‌خواهی و برابر طلبی ساده‌دلانه، تأثیر شدید از محیط و رویدادها

و قهرمان سازی و قهرمان پروری است» (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۱۰).

در ادبیات فارسی، واژه رمانتیک، غالباً تداعی کننده ادبیات غنایی بوده است. در ادبیات غنایی نیز معمولاً شکل رمانس غالب بوده و منظور از آن ادبیاتی است که در آن غلبه بر احساس، تخیل و عاطفه است. در ادبیات عربی رمانتیک، سبب به وجود آمدن جریان تازه می شود که نظام قصیده سرایی را دگرگون می کند.

شعر رمانتیک ایران از حدود سال (۱۳۰۰) اواخر مشروطه با اشعار عشقی و بخصوص افسانه‌نما شروع می شود و در دهه ۳۰ به اوج خود می رسد. دهه های ۲۰ و ۳۰، دوره شکوفایی شعر رمانتیسیم در ایران است و طیف گسترده‌ای از شاعران به سرودن چنین اشعاری تمایل پیدا می کنند. درباره ورود رمانتیسیم و ادبیات عرب، باید گفت «در پایان قرن نوزدهم میلادی به دنبال تحولات سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مکاتب ادبی مغرب زمین، جریان‌های تازه‌ای در ادبیات عرب، ظهور می کند که این جریان‌های ادبی، نظام قصیده سرائی کلاسیک را موضوع تحول خود قرار داده و مظهر جدیدی از نوآوری در شکل و معنا و اسلوب را به ظهور می رساند. جلوه‌هایی از این نوع آوری تحت تأثیر مکتب رمانتیسیم فرانسه، ابتدا در شعر خلیل مطران، ظهور می کند و پس از او شکل تکامل یافته آن نزد شاعران دیگر، تحت تأثیر مکتب رمانتیسیم انگلستان و فرانسه، پدیدار می گردد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۷۷).

رمانتیسیم جامعه گرا

برخلاف تصور غالب از واژه رمانتیک، این جنبش به شکل‌های مختلفی با تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی هم‌دلی نشان می دهد. در این زمان با توجه به شکل‌گیری انقلاب‌های مختلف و رونق شهرنشینی و پیشرفت صنعت چاپ، آثار گوناگون در دسترس سطح گسترده‌ای از اجتماع قرار گرفت. از این رو، توجه به مسائل اجتماعی و طرح مشکلات جمعی با نظر به احترام و توجه ویژه رمانتیسیم به فرد، اهمیت بسیار یافت و گرایش جدیدی به احساسات شکل گرفت و آن احساس‌گرایی اجتماعی است. در رمانتیسیم اجتماعی که می توان آن را حلاً وسط رمانتیسیم و رئالیسم دانست، به لحاظ فلسفی و اجتماعی، نوعی گرایش سوسیالیستی دیده می شود. پیروان آن به جای توجه به احساس شخصی و زندگی خصوصی، به منافع اجتماعی توجه می کنند و بر اغتشاشات و بی‌نظمی‌های ناشی از تمرکز ثروت در

دست اقلیتی ناچیز و بی‌عدالتی اجتماعی متأثر از آن تاختند و هدفشان تغییر نظام اجتماعی و اصلاح آن بود (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۷۴۲)، به باور برخی: «هنرمندان کلاسیسم برای طبقات ممتاز، می‌نوشتند و به بیان مسائل اخلاقی توجّه داشتند؛ اما رمانتیک‌ها، چهارچوب‌ها و سنت‌های رایج را نقد می‌کردند و شیوهٔ ضمنی و غیرمستقیم طرح مسائل اخلاقی را ترجیح می‌دادند» (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۳۰). آن‌ها با تکیه بر عواطف و آرزوها به سوی گسترش عدالت و نابودی طبقات برتر گام برداشتند و در تلاش بودند تا اوضاع مناسبی برای سلطهٔ طبقهٔ متوسط ایجاد کنند.

ژاله قائم‌مقامی

عالم‌تاج قائم‌مقامی، متخلص به ژاله، نوادهٔ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، در سال ۱۲۶۲ در فراهان اراک به دنیا آمد. در شانزده‌سالگی با مردی چهل‌ساله ازدواج کرد. در هفده‌سالگی، اولین فرزندش، حسین پژمان بختیاری را به دنیا آورد. در سال ۱۲۸۳ شمسی و پس از به دنیا آوردن دومین فرزندش، از همسر و فرزندش جدا شد و در زادگاهش فراهان اقامت گزید؛ فراق از فرزند، تأثیر ناخوشایندی بر روحیهٔ ژاله گذاشت؛ تا آنجا که این غم در شعر وی نیز بازتاب یافت؛ از آن جمله در بیت زیر می‌گوید:

رنجی که من از دوری فرزند کشم یعقوب از آن حال خبر دارد و بس

(قائم‌مقامی، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

ژاله، مکوننات شخصی‌اش را به راحتی در شعرش منعکس کرد و از همین رو باید گفت «فردیت و جهان زنانه در شعر فارسی، نخستین بار در شعر ژاله نمود یافت» (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

ژاله «اولین زن شاعری بود که از مسائل خود سخن گفت؛ اشعارش را تا سال‌ها پوشیده داشت و جز برای دل خود شعر نمی‌گفت و حتی بخش قابل توجهی از اشعارش را سوزاند» (همان: ۱۵۴). تا اینکه سال‌ها بعد فرزندش، حسین پژمان بختیاری، مجموعه اشعارش را گردآوری و منتشر کرد.

ژاله قائم‌مقامی در طرح مسائل زنان، پیشگام است و «نخستین بیانیه‌های تساوی حقوق زنان و مردان و ابراز نارضایتی از مقام و جایگاه زنان نخست در شعر ایشان مطرح شده

است» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۸۰). ژاله در اشعارش آشکارا و با شجاعت تمام و با زبانی ساده، پخته و ادیبانه به توصیف اوضاع زنان پرداخته است و شعار برابری حقوق زنان و مردان را سر می‌دهد.

شعر او کاملاً زنانه است به گونه‌ای که اگر نامش بر دیوانش یا شعرش نباشد، زن بودن صاحب سروده‌ها بی‌درنگ در ذهن خواننده تداعی می‌شود. «بی‌هیچ شک و شبهه‌ای، ژاله به جز دل سوزاندن برای زنان و دفاع کردن از حقوق و خواسته‌های طبیعی ایشان، که موضوع بسیاری از اشعار اوست، با وسایل و لوازمی نظیر (آینه، شانه، چرخ خیاطی و...) که اغلب زنان با آنان سر و کار دارند، در سروده‌هایش درد دل می‌کند و سخن می‌گوید و این یکی از مشخصه‌های زنانه بودن شعر ژاله است» (واعظ و صادق زاده، ۱۳۸۴: ۷۸). یکی دیگر از ویژگی‌های شعر ژاله «لحن بیان زنانه اوست که آب و رنگ و لطافتی خاص به آن بخشیده است» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۸۱). از سوی دیگر، آشنایی او با ادبیات کلاسیک فارسی در خلق تصاویر در شعر او نقش بی‌بدیلی دارد. «تصویرهای بدیع و گوناگون ژاله از شیوه شعر پیشینیان، مایه گرفته است و به‌خصوص به سبک خراسانی گرایش دارد» (همان، ۸۲).

نازک الملائکه

نازک الملائکه، یکی از پیشگامان شعر نثری عرب، متولد ۱۹۲۳ در بغداد است. مادرش سلمی عبدالرزاق که شاعر بود. اشعارش را در مجلات ادبی با نام «ام نزار الملائکه» منتشر می‌کرد؛ اما پدرش آثار زیادی از خود به جا گذاشت که دایره‌المعارف «الناس» در بیست جلد از مهم‌ترین آنهاست. نازک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در بغداد به سال ۱۹۳۹ به پایان رساند. عمده علائق او در این دوران، زبان عربی، انگلیسی، تاریخ، موسیقی، ستاره‌شناسی، شیمی و ژنتیک بود. پس از پایان دوره متوسطه در سال ۱۹۴۰ وارد دانشگاه تربیت معلم بغداد شد و در سال ۱۹۴۴ با مدرک لیسانس ادبیات عرب از آنجا فارغ‌التحصیل شد. سپس به موسیقی روی آورد و در ۱۹۵۷ تحصیلات خود را در رشته موسیقی در دانشکده هنرهای زیبای بغداد به پایان رساند. پس از آن نازک، برای آموختن انگلیسی به آمریکا رفت، در دانشگاه وسکنسن، پذیرفته شد و در سال ۱۹۵۹ کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات تطبیقی از همان دانشگاه اخذ کرد. نازک با دریافت دعوت‌نامه‌ای از دانشگاه

بغداد برای تدریس، به عراق بازگشت و در ۱۹۶۴ برای تدریس در دانشگاه بصره، دعوت شد و مدتی نیز در دانشگاه کویت به تدریس پرداخت. اوضاع ناآرام سیاسی عراق، نازک را ناچار از اقامتی یک‌ساله در بیروت کرد. او پس از بازگشت از بیروت با دکتر عبدالهادی محبوبه، همکار تازه‌اش در گروه ادبیات عرب آشنا شد و در ۱۹۶۱ با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک فرزند پسر با نام براق عبدالهادی محبوبه است.

نازک از سال ۱۹۹۰ در پی جنگ خلیج‌فارس به قاهره مهاجرت کرد و در بیستم ژوئن ۲۰۰۷ م. در همان‌جا چشم از جهان فروبست. نازک در اولین مجموعه شعرش، کاملاً رومانتیست است. سپس با عطف توجه به اوضاع اجتماعی و پرداختن به مسأله زن در جامعه، گرایشی متفاوت می‌یابد. مشهورترین قصیده او «الکولیرا» در ۱۹۴۷ درباره شیوع بیماری وبا در مصر سروده شده است. (ر.ک: نعمتی قزوینی و ایشانی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

زن و جامعه مردسالار

در کشورهای عربی، به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، زن هویت اجتماعی و جایگاه درخوری نداشت. در ایران قبل از مشروطه و در زمان پهلوی که با یک نگرش سنتی به جنس زن نگاه می‌شد؛ زن از تبعیض جنسیتی و استبداد مردسالاری رنج می‌برد. پیشگامان نهضت بیداری به خوبی پی برده بودند که «مسئله زن یکی از مسائل اساسی جامعه و آزادی وی و ایفای نقش اجتماعی او، راه مؤثری برای مبارزه با عقب ماندگی اجتماعی است» (سعداوی، ۱۳۵۹: ۳۴). نازک الملائکه و ژاله اصفهانی در اشعار خویش نگرش مردسالار جامعه ایران زمان پهلوی و مردمحوری جوامع سنتی عربی را در تیررس نقد خویش قرار داده اند و با آگاهی کامل به مفهوم فمینیسم، در پی آگاهی بخشی و مقابله با سنت مردسالاری هستند.

نابرابری‌های اجتماعی

«در طی تاریخ، عموماً مردان، جنس مسلط و زنان تابع آنان بوده‌اند. معمولاً زنان و مردان این نابرابری‌ها را در حکم وضع طبیعی امور در نظر داشته‌اند و این نظر را به منزله بخشی از فرهنگ خود از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند» (کوئن، ۱۳۸۶: ۵۶). ژاله قائم مقامی چنین وضعیت ایستایی را از جانب زنان نمی‌پذیرد. او زنان را از منفعل بودن، بی تحرکی و

بی‌ارادگی بر حذر می‌دارد و آنان را به نهضت و انقلابی برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خویش فرامی‌خواند.

بحث

پردازش موضوع رمانتیسیم اجتماعی در شعر نازک الملائکه و ژاله قائم‌مقامی

یکی از مشخصات شعر معاصر عربی و فارسی، تعهد شاعر به بیان کردن مسائل اجتماعی است. نازک الملائکه و ژاله همواره خود را در برابر حوادث اجتماع مسئول می‌دانند. نگاه آن دو به اوضاع اجتماعی روزگارشان، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. نازک تحصیل کرده غرب است که با مشاهده اوضاع کشورهای غربی و مقایسه آن با اوضاع نابسامان عراق که از یک سو در اشغال قوای استعمار انگلیس قرار گرفته و از سوی دیگر از نتایج تأسف بار جنگ جهانی دوم از قبیل آشفتگی داخلی، فقر، جهل، بی‌سوادی و... رنج می‌برد، برمی‌آشوبد.

نازک الملائکه با دیدن مشکلات جامعه عراق، حسرت می‌خورد و با پل زدن به گذشته و یاد کردن از اوضاع بسامان، از اندوه خویش می‌کاهد. اندوهی که مسائلی چون جنگ جهانی دوم، شیوع وبا، فاصله طبقاتی، بی‌توجهی به حقوق زن، استعمار عراق توسط بریتانیا، تنفر از حکومت حاکم، به‌ویژه حکومت نوری السعید و عبدالله... سبب آن است. او در سروده «الکولیرا» حزن و اندوه خود را در مورد قربانیان این بیماری بیان می‌کند:

«سَكَنَ اللَّيْلُ / أَصْغِرَ إِلَى وَقَعِ صَدَى الْأَنَاتِ / فِي عُمُقِ الظُّلْمَةِ، تَحْتَ الصَّمْتِ، عَلَى الْأَمْوَاتِ / صَرَخَاتٍ تَعْلُو، تَضَطَّرِبُ / حَزْنٌ يَتَدَفَّقُ، يَلْتَهَبُ / يَتَعَثَّرُ فِيهِ صَدَى الْأَهَاتِ / فِي كُلِّ فَوَادٍ غَلِيَانُ / فِي الْكُوخِ السَّاكِنِ أَحْزَانُ / فِي كُلِّ مَكَانٍ رُوحٌ تَصْرُخُ فِي الظُّلْمَاتِ / فِي كُلِّ مَكَانٍ يَبْكِي صَوْتٌ / هَذَا مَا قَدْ مَزَّقَهُ الْمَوْتُ / الْمَوْتُ الْمَوْتُ الْمَوْتُ.» (الملائکه، ۱۹۹۷: ۱۳۹)

شاعر با کاربرد واژگانی که دلالت مستقیم بر اندوه دارد، لب به شکایت از آمدن وبا و اوضاع جامعه می‌گشاید. واژگانی چون «اللیل الأنات»، «الظلمة»، «الصمت»، «الأموات»، «حزن»، «الآهات»، «احزان»، «بیکي» و «الموت» القاگر دل‌تنگی او برای گذشته است. جنگ جهانی نیز از دیگر عواملی است که وضع جامعه زمان شاعر را دلگیر کرده بود. از این رو، وی در سروده «الحرب العالمیه الثانیه» با کاربرد زبان صریح از مصائب فرود آمده بر سر مردم، ناله سر می‌دهد:

أینَ أهلوكَ یا قصورُ أ تحتَ الثلد
أسفأ ضاقت المیادین بالقتد
فی السُفوح الجبالِ تحتَ ذری
لیس غیرالموتی عظاماً و أشلا
لجِامَ مزَ قَتَهُم القاذفاتُ
لی و ما عادَ یدفنُ الأمواتُ
الأشجارِ خلفَ القصورِ و الأكواخِ
ء و غیر کُتابه و صراخِ
(الملائکه، ۱۹۷۷: ۴۴)

شاعر تحسر خود را با کاربرد واژگانی چون «أسفأ»، «القتلی»، «اموات»، «الموتی»، «اشلاء»، «کتابه» که بر حسرت دلالت دارند، بیان می‌کند.

یاد مرگ در سروده‌های نازک الملائکه

نازک الملائکه از شاعرانی است که این عنصر، در دیوان وی، جلوه ویژه‌ای دارد. به‌طوری که واژه موت و مشتقات آن در جلد اول دیوانش که شامل دفترهای شعری «مأساه الحیاه»، «أغنیه للإنسان» و «عاشقه اللیل» می‌باشد. به ترتیب ۲۵،۳۴،۸۵ و ۷۰ مرتبه به‌کار رفته است، اما در مجموعه دوم شعری او که شامل دفترهای «شظایا و رماد»، «قراره الموج» و «شجره القمر» می‌شود، این تعداد تقلیل می‌یابد که به ترتیب در هر کدام، ۴۴، ۷۸، ۴۴ و ۶۰ مرتبه می‌باشد. الملائکه با به‌کارگیری اسلوب استفهام و ندا، به‌خوبی حزن و حسرت خود را به ذهن مخاطب القا می‌کند:

یا رفاتِ الأمواتِ فی الأرضِ ماذا
رسمَ الموتِ فوقَ هذی العیون؟
ای رعب و حسره و شکاه؟
أی معنی من الجراء الحزین؟
(الملائکه، ۱۹۹۷: ۴۹)

او در سروده «مأساه الحیاه» از مرگ و زندگی و اسرار این دو سخن می‌گوید و بدینی خویش را نسبت به زندگی بیان می‌کند:

إن تمیتُ أنُ أعیشُ فما یسد
ستمعُ الموتُ أو یمدُ السنینحُم حلمی و
أو تمنیتُ أنُ أموتُ فما یر
لستُ القوی المنوننا
(همان: ۲۸)

یاد عشق

نازک الملائکه در دفترهای شعری ابتدایی خود ۱۱۲ بار واژه «حُب» و مشتقاتش را به کار بسته است. وی از واژه‌های مرتبط با عشق نیز بهره فراوانی برده است که از این میان می‌توان

به تکرار واژه قلب در دفترهای شعری مأساه الحیاه، أغنیه للإنسان (۱ و ۲) و عاشقه اللیل اشاره داشت. این کلمه در هر کدام به ترتیب ۲۳، ۶۵ و ۱۳۴ بار و در سه دفتر بعدی ۱۰۳ بار استفاده شده است. وی برای بیان اندوه خویش به سراغ رنگ زرد «باهت التلوین» رفته و به بیان دید نوستالژیک خود می‌پردازد:

أنا لولاك كنت ما زلتُ سرّاً خافتَ اللحنُ باهتُ التلوینِ
(همان: ۳۳۵)

و در سروده «أشواق و أحزان» با حسرت برگذر ایام عاشقی چنین می‌گوید:

كيف مرّت أيا مُنا؟ كيف مرّت بین فكّ الأشواق و الأحزان؟
ملء قلبی و قلبك الحبّ والشو ق و لكن نلوذُ بالكتمان
(الملائكة، ۱۹۹۷: ۵۵۴)

شاعر با کاربرد استفهام از چگونه سپری شدن روزگاران خوشی که با هم داشته‌اند، می‌پرسد و با استفاده از تضاد (الأشواق و الاحزان) بیان می‌کند که چگونه آن روزگاران خوش سپری شد و واژگان و تراکیب متضاد و متقابل در ترسیم بحران شاعر غرب‌زده به وی یاری می‌رسانند.

آرمان شهر

از سروده‌های نازک الملائکه در زمینه آرمان‌شهر، سروده «یوتوبیا الضائع» است:

صدی لم یشابه قط ت غنیه قیثاره فی الخفیا
و یشمضی شعوری فی یخره حلم یوتوبیا
(همان: ۳۸)

شاعر با واژگانی چون «صدی ضائع»، «سراب بعید» و «قیثاره فی الخفاء» بیزاری خود را از اوضاع کنونی و تمایل خود را برای دستیابی به شهر آرمانی بیان می‌کند. او در جستجوی شهری در بالای کوه‌ها از جنس درختان و صدای آب و نغمه‌هاست:

«تفجری بالجمال / و شیدی یوتوبیا فی الجبال / یوتوبیا من شجرات القمم / و من خیرِ
المیاه / یوتوبیا من نغم / نابضه بالحیاء» (الملائکه، ۱۹۹۷: ۱۵۵).

«از ابیات پیداست که شاعر با تکرار واژه اتوبیا، ساختن چنین شهری را برای رهایی از آلام

و اندوه‌ها می‌خواهد، ضمن این‌که بسامد بالای هجای (ای) احساس دل‌تنگی و ملالت را به‌خوبی بیان کرده است» (صفری، ۱۳۸۹: ۹۰). نازک الملائکه در اشعاری که مدینه فاضله را تصویر کرده است، واژه «یوتویا» را صریحاً به کار بسته است.

نازک الملائکه اجتماعی بودن را هدف اصلی شعر می‌داند، چشم‌هایش را به روی اجتماع می‌گشاید و نسبت به درد و رنج مردم، به‌ویژه مردم عراق عکس‌العمل نشان می‌دهد و در شعرهایی، چون «الکولیرا»، «الناعمه فی الشارع»، «الأرض المحجیه»، «مرثیه امراه لاقیمه لها»، «عید الهدنه»، «الی العام الجدید» و «سوسنه المها القدش» درد و رنج مردم را به تصویر می‌کشد. در قصیده «ماساه الاطفال» و چند قصیده دیگر در دیوان «ماساه الحیاه» به توصیف این اوضاع و کودکانی می‌پردازد که در انتظار بازگشت پدرانشان از جنگ هستند و از شهرها و آبادی‌های ویران شده و از کشته‌هایی که با چشمان باز مرده‌اند، سخن گفته است. (ر.ک: الملائکه، ۱۹۹۷: ۱)

افزون بر آن، نسبت به اوضاع زنان در جامعه عراق و نبود فرهنگ و آزادی نیز معترض است؛ اما بیشتر توجهش به اوضاع داخلی عراق است. «وی نه تنها در اشعارش که در عمل نیز وارد صحنه می‌شود و به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی و حزبی مجبور به ترک خاک عراق می‌شود» (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۴).

نقد و بررسی وضعیت و جایگاه زنان به‌عنوان نیمی از ساختار اجتماعی و بخش عظیمی از نیروی فعال و سازنده جامعه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به‌ویژه در جوامع سنتی و عقب‌مانده جهان سوم که زنان به دلایلی همچون تسلط قالب‌های سنتی و حاکمیت عادات و تقالید نادرست اجتماعی، در وضعیتی نامطلوب قرار داشته و بیشتر مورد ظلم و تبعیض واقع می‌شوند. «غسلاً للعار» حکایت سرنوشت دختری است که قربانی سنت‌های نادرست و خشن جامعه خویش شده است:

أمّاه! وحشرجه ودموع وسواذ
وانبجس الدم واختلج الجسم المطعوناً ما!
والشعر المتموع عشش فيه الطین
ولم یسمعها إلا الجلاذ

(الملائکه، ۱۹۹۷: ۱۹۵)

جلّاد در شعر نازک، نماد تمامی مردانی است که در عین تعصب شدید به قوانین اجتماعی

مرتبط با زنان و آسوده‌خاطر از این‌که در جامعه سنتی و مردسالار همیشه حق با آنهاست. زن بودن در چنین جوامعی، خود به‌تنهایی جرمی است که با ادعای حقوق انسانی، به گناهی نابخشودنی مبدل خواهد شد. انتشار خبر مرگ دختر در قصیده نازک در میان زنان روستا، عبرتی است تا بدانند که نه فقط برای حفظ دامان مردان، جامعه‌شان از ننگ و عار، مجبورند تمامی مظاهر جسمی و روحی زنانه را در خود سرکوب کنند، بلکه برای زنده ماندن باید از حق انسان بودن خود نیز چشم‌پوشند.

یا جارات الحارۃ یا فتيات القرية
الخبز صنعنه بدموع مآقینا
ستقص جدائنا و سنسلخ آیدینا
لنظل ثيابهم بیض اللون نقیه
(همان: ۱۹۵)

تنها باورهای واپسگرا و عوامانه است که فلسفه خلقت زن را در خدمت‌گزاری مردان، منحصر کرده و هویت انسانی و مستقل وی را نادیده می‌انگارد، بدیهی است که هرگونه قانون و مقرراتی که در چنین بستر فکری و فرهنگی ناسالمی تدوین شود، از عقلانیت و عدالت لازم، برخوردار نیست و درگذر زمان، زمینه انفعال و انزوای نیمی از نیروی انسانی فعال جامعه را فراهم خواهد کرد. از سویی دیگر، اعمال محدودیت‌های شدید و مهیا نبودن بسترهای رشد فکری و فرهنگی زنان، توجه به مسائل پوچ و بی‌ارزش و خودآرایی افراطی را به تنها عرصه ابراز وجود آنان تبدیل کرده و از توجه به مسائل مهم پیرامون خود باز می‌دارد.

در کنار نقد قوانین و نگرش‌های موجود به زنان، برجسته‌سازی، نقش انقلابی ایشان در کنار مردان انقلابی، یکی از رویکردهای شاعران معاصر عرب، از جمله نازک الملائکه در جهت فرهنگ‌سازی و فراهم کردن بسترهای فکری لازم برای حضور فعال آن‌ها در جامعه است. ترسیم حالات درونی و افکار زن و مردی مبارز و انقلابی در کنار یکدیگر که به اعدام محکوم شده‌اند در واقع تأکیدی است بر لزوم حضور فعال زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی.

«ونحن كنا براعم النار فاندلعنا/ كنت الفدائی أنت الفدائیة القانتة/ إنا وكنا مبتسمین/
یجمعنا الحب والموت والألم نحن كنا متصیرین.» (الملائکه، ۱۹۹۷: ۱۸۱).

«ترسیم و ارائه سیمای زن مبارز از دیگر رویکردهای شاعران نوگرا در جهت تأکید بر ضرورت نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی است. تصویر شهامت و ایثار و پایداری بزرگ زن مبارز الجزایری، جمیله بوحیرد، نمونه‌ای از یک زن مبارز و انقلابی از همین مقوله است» (الملائکه، ۲۰۰۸: ۳۵۱).

«زنان عراقی در سراسر دوران خلافت عثمانی، به علت قوانین ظالمانه و نابرابر در زمینه ازدواج اجباری، تعدد زوجات، محرومیت از تعلیم و تربیت و بسیاری دیگر از محدودیت‌های اجتماعی، مورد تبعیض قرار گرفته و وضعیتی نامطلوب داشتند تا این‌که از دهه سوم قرن بیستم، نخستین نشانه‌های جنبش فکری و فرهنگی زنان در عراق ظاهر شد. جنبشی که در ابتدا با طرح مسائلی همچون آزادی و حجاب و تعلیم و تربیت زنان، آغاز شد و با گذر زمان، ضمن یافتن ابعادی تازه‌تر، به یکی از مباحث اصلی و چالش‌برانگیز بسیاری از محافل فرهنگی و ادبی و روزنامه‌ها و مجلات عربی تبدیل شد» (مهنا، بی‌تا: ۴۲۸).

با ظهور شعر نو، از نیمه‌های قرن بیستم، مسئله زنان در کنار سایر مسائل اجتماعی جامعه به یکی از محورهای اصلی شعر نو، به ویژه در اشعار نازک الملائکه، نمایان گشت.

پردازش موضوع رمانتیسم اجتماعی در شعر ژاله قائم‌مقامی

عالم‌تاج از شاعران دوره پهلوی اول به شمار می‌آید. «ژاله عالم‌تاج ۲۳ ساله بود که فرمان مشروطیت امضا شد و سال پایانی عمرش مصادف با پنجمین سال حکومت محمدرضا شاه پهلوی بود. در فاصله آن سال‌های پرتنش، شاعران زیادی از مرد و زن، تجربه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود را در قالب شعر سرودند و اشعارشان را در دسترس همگان قرار دادند، اما عالم‌تاج اشعارش را منتشر نمی‌کرد.» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۱)

«به‌رغم این‌که در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ - ۱۳۲۵ شمسی، عوامل مناسب سیاسی - اجتماعی در جهت تغییر بانوان پرده‌نشین به زنان متجدد فراهم بود، ژاله در عمل، برخلاف جریان حرکت کرد و پرده‌نشینی را ترجیح داد و از شعر و آرمان‌های زنانه نوگرایی خود که در آن زمان می‌توانست، خریداران بی‌شماری هم داشته باشد، سخن نگفت. بی‌گمان این موضوع به شخصیت دوری‌گزین ژاله عالم‌تاج و سنت‌های رفتاری زنان در جامعه، ارتباط داشت» (کراچی، ۱۳۸۰: ۳۲).

عزالت و گوشه‌نشینی

علت کناره‌گیری ژاله را می‌توان در فرهنگ اجتماعی آن زمان جست، زیرا در زمانه او، دید سنتی جامعه نسبت به زن، عالم‌تاج را ضعیف و کم‌عقل و کوتاه‌زبان می‌خواست. در چنین فرهنگی، اصولاً زن، اعتماد به نفس چندانی ندارد و دچار خودکم‌بینی است. «در فرهنگ سنتی ما که زن را تنها از زاویه اخلاق می‌نگریستند، هر عمل خلّاقانه‌ای از سوی او ناپسند و هر رفتار منفعلانه‌ای، ارزش تلقی می‌شد؛ بنابراین، طبیعی است که موقعیت زن هنرمند از زنان معمولی دشوارتر بود، زیرا ترس از جامعه و داوری‌های منفی و برچسب‌های ناروا به زن شاعر می‌توانست ژاله را به کناره‌گیری و دوری از مردم، ناگزیر کند. به همین دلیل است که نوع زبانی که ژاله عالم‌تاج در اشعارش به کار گرفت، با زبان دیگر شاعران زن، متفاوت است و بیشتر زبان خلوت است تا زبان حضور. اما ژاله در شیوه بیان، نوع نگرش و اندیشه با دیگران تفاوت داشت؛ به رفتارهای مستبدانه اطرافیان و پدر و مادر و همسر انتقاد می‌کرد و به قانون‌های نادرست و اصول اخلاقی اجتماع اعتراض داشت» (کراچی، ۱۳۸۰: ۳۳)

سبک شعری ژاله

زبان ژاله، زبان شعر سبک خراسانی و یادآور مسعود سعد سلمان و ناصرخسرو است؛ «اما با توجه به مضمون و درون‌مایه و موضوع‌ها، بیشتر شعرها و نیز پرداختن به مسائل اجتماعی و به‌خصوص مسئله زن و نیز راحتی و روانی زبان و بیان، توجهش به زبان گفتار مردم و فرهنگ توده و ضرب‌المثل‌ها و تلاش در ساختن ترکیب واژگانی بدیع و تازه (یکی از ویژگی‌های شعر نیما یوشیج) و عنایت به ساختار شعر و پرهیز از پراکنده‌گویی و مضمون پردازی و به‌ویژه فردیت و تشخیص او، به جرأت می‌توان گفت که اگر شاعر با ادبیات و شعر اروپایی آشنایی می‌یافت (چنان‌که نیما این آشنایی را با شعر فرانسه داشت) و اگر کار شعر را جدی می‌گرفت، شاید پیش از نیما یوشیج و هم‌زمان با شاعران و ادیبان تجدیدگرایی مانند جعفر خامنه‌ای، تقی رفعت و شمس کسمایی، آنچه را بعدها «شعر نو» خوانده شد، او بنیان می‌نهاد. یا یکی از بنیان‌گذاران اصلی‌اش می‌بود» (یوسفی، ۲۱).

اشعار وی تصاویری زنده از احوال نفسانی زنان در دوره‌های مختلف زندگی و آرمان‌ها و آرزوهای آن‌ها و اشارتی به اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر زندگی سنتی زنان در جامعه ایران در روزگار حیات وی است.

ژاله، جهان زنانه فردی خود را، در شعر، معنا بخشید. درونمایه اشعارش، رنج‌نامه و تجربه‌های اندوه‌بار یک زن بود که گاه با خودش و گاه با دوستی صمیمی و همدمی خیالی، درد دل می‌کرد؛ این تجربه‌ها فقط در شعر فرصت بیان یافته بود. زبان شعر ژاله، به لحاظ لحن و محتوا نیز به حریم خصوصی و فردی او تعلق داشت و بیان درونی احساس و عاطفه و مشکلات فردی او بود. زبان شعری ژاله، گرم و زنده و در عین حال استوار و فصیح و استادانه است.

یکی از جلوه‌های آفرینندگی طبع هر شاعر، سهمی است که او می‌تواند در غنی ساختن زبان شعر داشته باشد. ژاله در عین بهره‌وری از میراث ادبی زبان فارسی، به برکت ذوق خلاق خود با تکیه بر مایه ادبی‌اش، واژه‌ها و ترکیب‌های زیبا و فصیحی در اشعار خود آورده که نمودار قریحه‌ای است پرورده و زاینده.

دست و پایی، هم‌تی، شوری، قیامی، کوششی شهر هستی جان من جز عرصه ناورد نیست
آخر ای زن جنبشی کن تا ببیند عالمی کانچه ما راهست هم‌زان بیشتر در مرد نیست
(قائم‌مقامی: ۲۲)

در خصوص آزادی زنان و داشتن حق انتخاب در زندگی اجتماعی و دور بودن از حجاب‌های غافل‌کننده، می‌گوید:

هان و هان ای دختران خیزید و همدستان شوید رهنما گر باید اینک چامه غرای من
نا پنداری که چادر سداً راه توست از آنک از سیه چادر برآمد نعره و غوغای من
(همان: ۲۲)

ژاله در صدد است تا یک مقایسه، میان زن در فرنگ و زن در داخل کشور از جهات متعدد به ویژه از حالت مردسالاری موجود انجام دهد:

گویند زن به شهر فرنگان بود خطیر اما به شهر ایران، بیش از فطیر نیست
مردست قیّم من و امثال ما که او زن را صغیر داند اگر خود کبیر نیست

تا ما ضعیف و نان خور مردیم و گوشه جوی راهی به جز اطاعت مرد قدیر نیست
(همان: ۵۳)

شاعر در نقد حالت مردسالاری و تسلی زن در برابر خواسته مرد می گوید:
گویند خدای زنان بود مردی که بر او نام شوهری است
مرد است و خدای وجود ماست نینی که بلای مقدری است
زن چیست؟ خضوع مجسمی وان مرد؟ غرور مصوری است
(قائم مقامی، ۱۳۷۳: ۷۳)

نگاه ژاله به زن

ژاله قائم مقامی سه عامل را دلیل تنزل زنان در جامعه دانسته است: یک ضعیف بودن روح، ناقص العقل بودن و از دست دادن اعتماد به نفس.
لیک ضعف روح و نقص فکر و فقد اعتماد

ساخت موجودی زماکش بیش از آن در خورد نیست
(همان: ۳۰)

حقوق زن و مرد در شعر ژاله عالم تاج قائم مقامی

ژاله فراهانی از شیدایی و شیفتگی مرد نسبت به زن سخن می گوید و این نوع شیفتگی را مایه نقد قرار گرفته که چرا عشق در نزد مردان حلال و نیکوست؛ اما از ناحیه زنان زشت و حرام تلقی می شود. اعتراض ژاله بیشتر جنسیتی است. وی گله مند از نابرابری حقوق زن و مرد است. اعتراض می کند از اینکه عشق و عاشقی را از آن مرد می دانستند و اگر زنی ادعای عشق کند، کشتن وی حلال است:

مرد اگر مجنون شود از شور عشق زن رواست زانکه او مردست و کارش برتر از چون و چراست
لیک اگر اندک هوایی در سر زن راه یافت قتل او شرعاً هم ار جایز نشد، عرفاً رواست
بر برادر، بر پدر، بر شوست، رجم او، از آنک عشق دختر، عشق زن بر مرد نامحرم، خطاست
همسر یاران رها کن، زن برادر، زن پدر مرد را شاید، ورش فرمان حرمت، زانیاست
(قائم مقامی، ۱۳۷۳: ۳۱)

تساوی زن و مرد را نیز مطرح می کند. اگر زن از تو برتر نباشد، جنس زن، همانند توست.

گویا شاعر رسالت خود را در برقراری مساوات بین مردان و جنس لطیف می‌داند.
 از تو گر برتر نباشد جنس زن مانند توست گو، خلاف رای مغرور تو باشد رای من
 در ره احقاق خویش و حق نوع خویش رسم و آیین مدارا نیست در دنیای من
 من به فکر خویشم و در فکر هم جنسان خویش گر نباشد، گو نباشد مرد را پروای من
 گر به ظاهر ناتوانم لیک، با زورآوران کوهی از فولاد گردد، خود تن تنهای من
 (همان: ۱۸)

ژاله قائم مقامی در قطعه‌ای به نابرابری موجود در جامعه، بین زن و مرد اعتراض می‌کند و می‌گوید: اگرچه در دستگاه آفرینش، مرد و زن یکسان آفریده شده‌اند؛ اما زن در محیطی بسته، عمر خود را سپری می‌کند. وی در جریان ضایع شدن حقوق و مطالبات زنان، مردان را مقصر دانسته است و زن را در چنگال مرد، اسیر و در محبس او، گرفتار، تصویر می‌نماید و معتقد است برای بیرون آمدن از این محبس‌های تاریک، زن باید تلاش کند؛ هر چه دست و پایش هم نیز بسته است. اعتراض خویش را نسبت به فرق میان زن و مرد چنین بیان می‌کند.

خواهرم پرسید فرق مرد و زن چیست؟ گفتم گویمت این قصه را با نکته‌ای سر بسته اما
 در دکان آفرینش جنس ما و اوست یکسان عمر ماطی می‌شود در کیسه‌ای سر بسته اما
 دست قدرت، فرش کردست از ازل باغ جنان را زیر پای مادران بر روی مادر بسته اما
 ناامید از بخت، نتوان شد که بس درهای رحمت پیش روی ماست تادامان محشر بسته اما
 (همان: ۱۳)

ساختارشکنی ژاله

ژاله عالم‌تاج قائم مقامی بنیان‌گذار مکتبی ساختارشکن و ضد مردسالاری بودند که امروزه از آن به‌عنوان فمینیسم یاد می‌شود. ژاله در جسارت فکر و اندیشه، پیش‌کسوت فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی است. ژاله دو دهه قبل از پروین اعتصامی به دنیا آمد. زنی آزاداندیش در دورانی چشم به جهان گشود که حق خواهی و آزادگی برای زن، چیزی جز رنج و تهمت به دنبال نداشت؛ اما روح آزادی‌خواه این زن شجاع، حاضر به تسلیم در برابر سنت‌های ناعادلانه نبود. درجایی که زن بودن را ننگ می‌دانستند سرود:

باکی از طوفان ندارم، ساحل از من دور نیست

تا نگیوی گور توست این سهمگین دریای من

زیر دستم گو مبین ای مرد، کاندرا وقت خویش

از فلک برتر شود این بینوا بالای من

(قائم مقامی، ۱۳۷۳: ۱۸)

باور این شاید برای خیلی‌ها کم باشد که درست صدسال پیش آن‌هم در یک کشور سنتی مردسالار، زنی از ازدواج ناخواسته با نام‌تن‌فروشی یاد کند.

نگاهش به ازدواج

ژاله، در جامعهٔ مردسالار و زن‌ستیزی زندگی می‌کند که محدودیت‌های بی‌شماری را رقم می‌زند. اگر ژاله مسائل خصوصی زندگی خویش، معترضان به صفحه‌بنشانند، شاید این اعتراض صدای زنان زیادی است. دکتر روح‌انگیز کراچی معتقد است: «شعر ژاله زبان خاطرات خصوصی یک زن است با کلامی عریان و بازتاب آزرده‌گی خاطر او از ستم جنسی در فرهنگی مردسالار. شعر او چون نوشتهٔ بی‌بی خانم استرآبادی، حدیث نفسی است بی‌پرده با روحیه‌ای مرد ستیز در شرح ضدیت با ستمگری‌های مردانه. شعر ژاله، تجربه‌های شخصی زندگی یک زن است که تجربه‌های جمعی زنانه را در خود دارد.» (کراچی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

ژاله با خروشی خردمندانه رسم ناروای ازدواج دختر نه‌ساله و ناراضی را زیر سؤال می‌برد. ازدواج شرعی اندر عهد کفر اندوز ما چیست می‌دانی؟ حرامی با حلال آمیخته شمع سفرهٔ عقد با دست دروغ افروخته نُقل بزم سور با زهر قتال آمیخته ازدواج شرعی است این یازنایی شرع‌رنگ؟ نی غلط گفتم، نکاحی با نکال آمیخته آنچه من دیدم به عهد شوم شوهر داریم بود خود جمعیتی با اختلال آمیخته (قائم مقامی، ۱۳۷۳: ۱۲)

ژاله قایم مقامی با هنجارشکنی در شعرش حتی به آداب و رسومی که بر جامعه‌اش حاکم بود، شجاعانه تاخت و در مقابل پدر و مادرهایی که دختران جوان و نابالغ خویش را به منزل شوهر می‌فرستادند، ایستاده و بر کارشان خرده گرفت تا به آنان بفهماند که آیندهٔ جوانان بسیار مهم و ارزشمند است:

گرفتم آب حیوان بود، کوی نازنین شوهر چه می‌شدگر من از این چشمه‌کامی تر نمی‌کردم؟

نگویم پیرو ممسک بود و آتش خو، ولی آخر بدان نابالغی، شوهر، چه می‌شد گر نمی‌کردم؟
(همان: ۷)

عشق

اشعار ژاله، نشان‌دهنده ناکامی اوست. گویی در پیوند اجباری‌اش تمام خواسته‌ها و آرزوها و امیدش بر باد فنا رفته است. حسین پژمان بختیاری می‌نویسد: «بی‌نصیبی از عشق و آرزوی عشق ورزیدن در بسیاری از باقیمانده اشعار مادرم هویداست و این محرومیت هرگز جبران نشد؛ زیرا که وی در بقیت عمر خود هم از یافتن کانونی گرم و آشیانی آکنده از صفا و صمیمیت بی‌بهره ماند. زندگی مشترک پدر و مادرم در زیر یک بام آغاز شد؛ بدون آنکه کوچک‌ترین وجه اشتراکی از لحاظ روحی و معرفت و تربیت با هم داشته باشند» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۴۲۶).

زیستن با جان حیوانی سرشت
زیستن دانی؟ همچو حیوان زیستن
در جهان زن نشاط زندگی
نیست جز با عشق جانان زیستن
پا به پای دوست گریان سوختن
یا به دست عشق خندان زیستن
عشق ای دل‌مرده، آب زندگی است
گر بخواهی زیستن، هان زیستن
(همان: ۱۴)

یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای ژاله عشق ورزیدن است، شاعر آرزوی عشق دارد و به سبب از دست رفتن فرصت‌های عشق ورزی اندوهگین است. شاعر برای عشق در زندگی جایگاه والایی قائل است. او عشق را آب زندگی می‌داند و معتقد است، بی‌عشق نمی‌توان زندگی کرد:

گم شد جوانی‌ام همه در آرزوی عشق
اما رهی نیافتم آخر به کوی عشق
از حجب و از غرور دل خرده سنج من
شد بهره‌ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق
(همان: ۴۱)

آزادی زنان

ژاله متأثر از تحولات اجتماعی دوره مشروطه، طالب تغییر وضع زنان شد و از آن‌ها خواست که بدون چشم‌داشتی از مرد، به پا خیزند و آزادی خود را به دست آورند. ژاله در چاهمای غرأ، زنان و دختران سرزمینش را به آزادی و برگرفتن بند حقارت از پای خویش

فرامی خواند و از ایشان می‌خواهد، هر مانعی را از سر راه بردارند؛ اما گویی به شدت نگران به خطر افتادن عزت نفس و روح انسانی آنهاست.

بسته در زنجیر آزادی است، سرتاپای من برده‌ام ای دوست و آزادی بود مولای من
گرچه آزادی است عکس بردگی در چشم خلق مجمع آن هر دو ضد، اینک دل شیدای من
چیست آزادی؟ ندیدم لیک می‌دانم که اوست مرهمی راحت‌رسان بر زخم تن‌آسای من
(همان: ۸۶)

و به یقین و صراحت می‌گوید: دختر فردا مانند دختران امروزی نیست و پیش‌بینی در بهبود وضع دختران می‌کند:

دختر فردای ایران، دختر امروز نیست گر بخواهی ورنه برگیرند بند از پای من
(همان: ۸۸)

او اطمینان کامل به ترقی و تعالی زنان دارد، مخصوصاً به پیشرفت دختران کشور امید فراوان بسته. آینده را در دست آنان می‌بیند و با نوعی از الهام و پیشگویی ایشان را مخاطب ساخته می‌گوید. تصور مکن که روبند و چادر، سدّ راه ترقی توست، من خود از دامان همین چادر سیاه، نعره آزادی را برداشتم؛ مع‌هذا، بگذار شیخ، مرا در این فتوا کافر بشمارد.

اما با فکری پیشین، احساس می‌کند که آزادی زن پس از صدها سال، گرفتاری، همچنین برخورداری او از نعمات آزادی بعد از قرن‌ها ناکامی و بی‌مرادی ممکن است، موجب افراط‌ها، زیاده‌طلبی‌ها و تندروی‌ها شایسته گردد؛ لهذا وی را با صفای کامل به پاک‌دامنی و جست‌وجوی آزادی فرامی‌خواند.

هان و هان ای دختران خیزید و هم‌دستان شوید رهنما گر باید آنک چامه غرّای من
تا نپنداری که چادر سدّ راه توست از آنک از سیه چادر برآمد نعره و غوغای من
نورچشما، دخترا، آینده اندر دست توست قدر نعمت را بدان ای گوهر یکتای من
پاک دامان باش و ز آزادی به جز عزت مخواه راه تاریکان مرو ای زهره زهرای من
(همان: ۸۹)

نتیجه‌گیری

نازک الملائکه و ژاله، به دلیل پاره‌ای از مشکلات شخصی و اجتماعی و همچنین درک والایی

از هستی و متأثر از مکتب رمانتیسم، به بدبینی گرایش دارند. دستاوردهای این پژوهش، حاکی از وجود مشابهت در نحوه نگرش این دو شاعر به مسائل زنان در قالب محورهایی همانند نقد قوانین و سنت‌های اجتماعی، مبارزه با ارزش‌های سنتی جامعه مردسالار و بیان مظلومیت زنان است. اشعار ژاله فراهانی از نظر موضوعی، فقط محدود به بیان مسئله محرومیت زنان است و زبان وی هم‌زبانی ساده و عوام‌گرایانه است؛ اما اشعار نازک الملائکه از نظر موضوع و بیان، دارای تنوع و بسیار فنی‌تر است و زبان شعری وی هم به علت تحویلات و سواد عالی او ادبی‌تر می‌باشد. مسائل زنان در جنبه‌های مختلف نقد قوانین و سنت‌های اجتماعی، نگرش منفی به زن، دعوت به مبارزه بر ضد جامعه مردسالار از ویژگی‌های مشترک دیوان دو شاعر در عرصه نقد اجتماعی می‌باشد.

در توجه به مسائل زنان، هرچند که نازک، جامعه خود را به‌تندی نقد می‌کند؛ ولی نقد نیشدار ژاله فراهانی و الفاظ و عبارات‌های جسورانه وی، قابل تأمل‌تر است؛ چرا که ژاله فراهانی بر اثر ازدواج سیاسی و مصلحتی خود، زخم جامعه مردسالار را تحمل کرده؛ ولی نازک، شاهد رنج زنان دیگر بوده است. در دیوان هر دو شاعر امور مربوط به زنان و مشکلات اجتماعی آنان، بخش قابل توجهی اجتماعی‌شان را به خود اختصاص داده که با توجه به زن بودن این دو شاعر طبیعی به نظر می‌رسد.

ژاله فراهانی با قلبی دردناک و آکنده از اندوه، از نگاه منفی جامعه به زن سخن می‌راند و در موارد متعدد به مظلومیت زن به‌طور صریح و واضح اشاره می‌کند. حال آنکه نازک در خلال دیگر موضوعات به این مظلومیت اشاره دارد. ترسیم و ارائه سیمای زن مبارز از دیگر رویکردهای شاعران نوگرا در جهت تأکید بر ضرورت نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی است. تصویر شهامت، ایثار و پایداری بزرگ زن مبارز در کشور عراق و ایران. یکی از نقدهایی که هر دو شاعر نسبت به جامعه خویش دارند، مرتبط با جایگاه ناشایست زنان است.

در خصوص عشق و روابط عاطفی در نزد این دو شاعر، می‌توان گفت که عشق زنانه این دو شاعر در هاله‌ای از عفت و پاک‌دامنی است. حتی برای لحظه‌ای نمی‌توان تصور کرد که عشق زمینی و جسمانی ایشان به هوس آلوده شده است.

این دو شاعر با توجه به تجربیات خاص خود، از آلوده شدن عشق به هوس‌ها و شهوات اجتناب می‌ورزند و اگر جایی بیم آن را داشته‌اند، از عشق صرف‌نظر می‌کنند. نازک بسیاری از خصوصیات عشق را با الفاظی کاملاً معمول و مرسوم بیان می‌دارد و بیشتر صفاتی را مطرح می‌کند که خارج از جهان ماده نیست؛ اما ژاله فراهانی درصدد این است که صفات عشق را با آنچه لازمه نفی جهان مادی و ملموس است، مطرح کند.



منابع

کتاب‌ها

۱. الملائکه، نازک (۱۹۹۷) دیوان نازک الملائکه، المجلد الاول، الثاني، لبنان، بيروت: دار العوده
۲. الملائکه، نازک (۲۰۰۸) الاعمال الشعرية الكاملة، بيروت: دارالعوده.
۳. المهنا، عبدالله أحمد (بی تا) نازک الملائکه دراسات في الشعر و الشاعره، کویت: شرکه الربيعان للنشرو للتوزيع.
۴. سعداوی، نوال (۱۳۵۹) چهره عريان زن عرب، ترجمه مجید فروتن و رحیم مرادی، تهران: روزبهان.
۵. شریفی، محمد (۱۳۸۷) فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نشرنو.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) شعر معاصر عرب، تهران: سخن.
۷. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) درباره ادبیات و نقد ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. فورست، لیلیان (۱۳۷۵) رمانتيسم، ترجمه مسعود جعفری جزی، تهران: مرکز.
۹. قائم‌مقامی، عالم‌تاج (۱۳۹۱) دیوان، با مقدمه پژمان بختیاری، تهران: گل‌آذین.
۱۰. کراچی، روح انگیز (۱۳۸۰) اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، چاپ دوم، تهران: نشر الزهراء.
۱۱. کوئن، بروس (۱۳۸۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۱۲. هارلند، ریچارد (۱۳۸۸) درآمدی تاریخی بر نظریه ادبیات از افلاطون تا بارت، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش، چاپ سوم، تهران: انتشارات چشمه.

مقالات

۱۳. باوری پور، ثریا (۱۳۸۵) گذری و نظری بر شعر و زندگی عالم‌تاج قائم‌مقامی، مجله نقد و نظریه ادبی، ش ۱۳-۱۴، صص ۳۴۵-۳۵۷.

۱۴. رجبی، فرهاد (۱۳۹۰) رمانتیسیم تلخ شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد، چاپ در مجموعه مقالات همایش یزد، صص ۱۴-۲۰.

۱۵. زارع، سمیه (۱۳۹۲) آرمان شهر در اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه، نشریه تطبیقی شهید باهنر کرمان، سال ۴، ش ۸، صص ۵۸-۸۷.

۱۶. صغری، جهانگیر (۱۳۸۹) بررسی نوستالژی در دیوان ناصر خسرو، سال هشتم، پژوهشنامه ادب غنایی، ش ۱۵، صص ۷۵-۹۸.

۱۷. عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹) بررسی سیر تحول مضامین مادرانه در شعر چند شاعر زن از مشروطه تا امروز، فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، صص ۱۵۱-۱۸۰.

۱۸. نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۲) بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه، مجله ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵۵-۱۷۰.

۱۹. واعظ، لیدا و محمدصادق زاده (۱۳۸۴) چهار شاعر زن معاصر، حافظ، ش ۲۱، صص ۷۴-۷۹.

۲۰. یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۴) اولین شاعر فمینیست ایران: ژاله قائم مقامی، حافظ، ش ۲۱، صص ۷۵-۹۱.

Critique and elaboration of the principles of socialist realism in the poetry of Jaleh Ghaem Maghami and Nazok al-Malaeka

Maryam Beyk¹, Dr. Hadi Heydariania², Dr. Mahmoud Sadeghzadeh³

Abstract

One of the most popular contemporary literary schools is the school of Romanticism, which first dealt with personal issues; But because of the unfavorable political and social situation, it gradually shifted from an individualistic to a socialist state and took on a socialist state. Although the emergence of the school of Romanticism in Persian and Arabic literature does not have much in common; But there are many similarities between the followers of this literary school in Persian and Arabic. Nazak-ul-Malaika and Jaleh Ghaem-e Maghami are among the poets whose poems have such a character. There are similarities in the theme and style of their poetry, showing that the poems have been influenced by the poetry of the European Romantic period in terms of content, format and language. The present article seeks to analyze and explain the principles of socialist romanticism in descriptive-analytical method in the poems of Jaleh Ghaem Maghami and Nazak-ol-Angels. Poverty, the decline of society, women and issues around it, idealism and idealism have been studied in the poetry of these two poets. The author seeks to answer these questions: What are the most important issues raised in the poems of these two poets? And what are the similarities between these two poets?

Keyword: Socialist Romanticism, Nazok al- Malaeka, Jaleh Ghaem Maghami, Social Inequalities, Women.

¹ . PhD Student in Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Responsible author)

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.